



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)  
آفتاب ۲۴، نیش دازویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | 📧 Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۳۳۵۷  
📍 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | 📧 tirang.advertising@gmail.com



ویژه چهلمین روز درگذشت  
هنرمند شاعر زنده یاد محمد زمان گلدسته

# گلشن مهر

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

یکشنبه ۸ خرداد ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و سوم / شماره ۸ / ۲۴۰۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

## یادداشت اول

### مسؤولیت نخبگان

#### در بحران

■ با مسؤولیت سردبیر

شاخص ها آمارها و سخنان و اتفاقات یک ماهه ی گذشته به هر دلیل که اتفاق افتاده باشند، باعث تراکم خشم و عصبانیت در لایه های مختلف اجتماعی شده است. گرانی ها و موج افسار گسیخته تورم، چشم انداز ناامید کننده ی برجام و نا امیدي نسبت به آینده و..... اینک بلای بی تدبیری متروپل قلب شهروندان را در هم شکسته است. تلخ تر آنکه ایرانیان به صورت طبیعی نیز خود را مدیون بزرگی ها، رشادتها و دلاوری های خوزستان می دانند. هشت سال جنگ، سالها آوارگی و سالها گرد و غباری که راه نفس را بر مردم غیور اهواز، سوسنگرد، اندیمشک، خرمشهر، آبادان و.... بسته است. این مردم سختی کشیده اینک دوباره عزادار شده اند و ما جز شرمندگی، کاری از دستمان بر نمی آید علاوه بر اینها گرما نیز از راه می رسد و احتمالاً کمبود آب و برق هم به ماجرا اضافه می شود. هر یک از بحرانهایی که گفته شد، می تواند در دراز مدت و کوتاه مدت تأثیرات بسیار مخربی بر ساختار توسعه ایران بگذارد. در چنین اوضاعی دولت ها، به هر دلیل، توان تمشیت امور را از دست می هند و موج فزاینده ای از خشم و اندوه همگان را در بر می گیرد. در این شرایط تنها بخشی از جامعه توان مدیریت افکار عمومی را دارد که در میان شهروندان صاحب سرمایه اجتماعی است. چنین انسانهای صاحب مکتبی می توانند با پی پیش گذاشتن و گفت و گو با مردم اندکی از بار عصبانیت مردم بکاهند و مردم را به سوی خیر عمومی هدایت کنند. در کنار معتمدین و ذی نفوذان محلی و اقوام و بزرگان مذهبی و قومی باید احزاب سیاسی و نهادهای مدنی نیز با هماهنگی بیشتر با یکدیگر و همراهی و گفت و گو با شهروندان، از انفجار بغض های خفته و بروز خشونت جلوگیری کنند و فضا را به سمت عقلانیت هدایت کنند. به این خاطر آن چنان که بارها در این ستون نوشته ایم و هشدار داده ایم باید بجای گشادن زبان داغ و درفش، با مردم که ولی نعمتان این کشورند، باب گفت و شنود را باز کنید و نگذارید بیان انتقادات از حوزه گفت و گو خارج شود والا هیچ ایرانی خیرخواهی منفعتی نخواهد برد.



همه قوا برای  
مهار گرانی ها تلاش کنند  
« ۸ »



بزرگترین رویداد فرهنگی  
این دیار  
« ۸ »



ضرورت توسعه  
صنایع تبدیلی کشاورزی  
« ۷ »

# بازار اجاره نیازمند مدیریت است

تعداد قابل توجهی اجاره نشین در این شرایط سخت اقتصادی دچار مشکل اند



نشده، سیاستی که تغییری در وضعیت بحرانی بازار اجاره نداشته است. در هر حال با توجه به ناتوانی دولت در کنترل تورم، بازار اجاره نیازمند مدیریت است. بازار اجاره نشینی باید متولی خاص داشته باشد که ندارد. تعداد قابل توجهی اجاره نشین در این شرایط سخت اقتصادی دچار مشکل اند. اصلاح نظام یارانه ای، فشارمضاعفی را بر مستاجران وارد می کند مسوولان نسبت به افزایش نابرابر، نامتعارف و بدون استدلال درست افزایش اجاره بها سکوت نکنند. متولیان به طور دقیق و بدون اغماض بنگاه های معاملات ملکی را کنترل کنند تا سودای تعیین نرخ اجاره بها را برای دریافت سود بیشتر در سر نپورانند. بسیاری از مردم از آنجا که توان پرداخت اجاره بها را ندارند از شهر به حاشیه های شهرها و از حاشیه شهرها به مناطق دورتر کوچ کرده اند. آسیب های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی این اتفاق کم نیست.

اسباب کشی نیست و مالکان نمی توانند مستاجران را جواب کنند اما اغلب مالکان صدای دولتی ها را نشنیدند و بر طبق راه و روش سابق عمل کردند و البته بازار دلالتان هم همچنان گرم بود و بر این آتش می دمید. امروز با اینکه ویروس کرونا فروکش کرده دولت سیاست کم نتیجه ی تعیین حدنصاب برای قراردادهای اجاره را ادامه می دهد و تصمیم دیگری اتخاذ

نتیجه ای به نفع مستاجران در پی نداشت و باری از دوش خانه به دوشان برنداشت. سیاست تعیین حدنصاب برای افزایش اجاره بها هم حاصلی در بر نداشت بنابراین با اینکه گفته شد قراردادهای اجاره تا سه ماه بعد از اعلام رسمی اتمام پایان کرونا قابل اجرا خواهد بود و با اینکه مقرر شد هر کسی که اجاره اش تمام شده باشد با درصدی که اعلام خواهد شد مجدداً اجاره نامه خود را تمدید کند و نیازی به

سردبیر دو سالی می شود که با هدف حمایت از مستاجران، تمدید خودکار قراردادهای اجاره و تعیین سقف برای اجاره بها تصویب و اجرایی شد اقدامی که چندان توجهی به آن نشد و مالکان و مستاجران همچنان راه خود را رفتند. قرار بود دولت برای سال ۱۴۰۱ درخصوص تعیین سقف مجاز برای افزایش اجاره بهای مسکن تصمیم بگیرد و البته بنا بر این بود که نرخ گذاری انجام شده و سیاست نرخ گذاری برای اجاره بها به کنترل قیمت ها در بازار اجاره منجر شود که نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه وخامت بیشتری یافت به طوری که امروز پس از جراحی اقتصادی انجام شده توسط دولت، کنترل بازار اجاره سخت و سخت تر شده است. اگرچه دولت سعی کرد در زمان اپیدمی ویروس کرونا برای حمایت از مستاجران، مصوبات و قوانینی در خصوص قراردادهای اجاره، پرداخت وام ودیعه مسکن و تعیین حدنصاب افزایش سالیانه وضع کند اما هیچ کدام



## خط فکری معاندین اختلاف افکنی است



فرمانده انتظامی گلستان گفت: امروز مورد هجومه های گوناگونی از سوی معاندین و دشمنان این آب و خاک مواجه هستیم و خط فکری آن ها اختلاف افکنی است. به گزارش مهر، محمد سعید فاضل دادگر در نشست هم اندیشی با اساتید مدارس علوم دینی اهل سنت و تجلیل از مدرسین برتر گلستان اظهار کرد: علما و روحانیون ترکمن صحرا نقش بارزی در مباحث اجتماعی، فرهنگی و امنیتی دارند. فرمانده انتظامی گلستان افزود: مردم و علمای فرهیخته ترکمن صحرا مردمان خوبی هستند. اکنون بعد از دو سال خدمت در این استان مشاهده می کنم که تاکنون جز عقابیت، جز بزرگی، خدا محور، وحدت و خوبی در بین مردم ترکمن صحرا چیزی ندیدیم. وی ادامه داد: امروز به شدت با پیچ ها و گذرگاه های مهمی روبرو هستیم. امروز در جریان تفرد افراطی، افکار و آداب و پنداشته ها تحت تاثیر فضای مجازی و ماهواره ها در حال تغییر و تحول است. دشمن توان و چشم دیدن وحدت و بزرگی ملت ایران را ندارد. امروز جنس فضای بشری عوض شده و مورد هجومه های گوناگونی از سوی معاندین و دشمنان این آب و خاک مواجه هستیم. سردار دادگر افزود: معاندین در جریان حادثه مشهد و هم زمانی آن با حادثه گنبد هجومه فراوانی وارد کردند که آنها را به هم ربط بدهند. شب و روز تلاش کردند. خط فکری معاندین اختلاف افکنی بود و هست. اما علما و مردم منطقه با بصیرت و هوشمندی و دقت نظر خود امور را به دست قانون و عدالت سپردند. وی همراهی علما در منطقه و خصوصاً در مناطق روستایی را خواستار شد.

## توسعه روستا محور الگویی اثر بخش با هزینه پایین

استاندار گلستان گفت: پیشرفت ما باید روستا محور باشد؛ چرا که این یک الگوی اثربخش با هزینه پایین است. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در دومین کارگروه تخصصی امور زیربنایی و توسعه روستایی، عشایری،

شهری و آمایش سرزمین و محیط زیست استان اظهار کرد: بررسی فرایند صدور مجوزها باید با محوریت معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری و اداره کل راه و شهرسازی اصلاح شود. زنگانه افزود: عدم استقرار و احداث کارگاه های تولیدی صنایع کوچک در کنار محورهای اصلی استان از مصوبات هیئت وزیران بود که مجوز احداث واحدهای تولیدی باید در این راستا باشد. زنگانه در ادامه علت این مصوبه را جلوگیری از تصادف، تمرکزگرایی بر شهرک های صنعتی و آسیب ندیدن سیمای شهرها عنوان کرد. استاندار گلستان گفت: پیشرفت ما باید

روستا محور باشد؛ چرا که این یک الگوی اثربخش با هزینه پایین است. زنگانه اظهار کرد: بررسی مزیت های منطقه ای در روستاها و شهرستان های استان باید در دستور کار تمامی مدیران ذیربط قرار گیرد. وی افزود: تولید بدون توجه به تقاضا اقدامی نادرست بوده که باید با استفاده از سند آمایش سرزمین و اسناد بخشی مدیریت لازم صورت گیرد. سرپرست اداره کل راه و شهرسازی گلستان در ادامه این نشست، در خصوص بررسی ظرفیت های استان گفت: اجرای طرح جامع ناحیه ای که از اقدامات اداره کل راه و شهرسازی بوده، موجب هدایت،

کنترل و رشد توسعه شهرها می شود. مهدی ملک اظهار کرد: طرح توسعه و عمرانی ناحیه ای که در مرحله ای پی از طرح های آمایش سرزمین و طرح های منطقه ای جای دارد، وظیفه ساماندهی نظام فعالیتی در فضا را به منظور استفاده بهینه از زمین انجام می دهد. وی افزود: استفاده از این طرح موجب استقرار مطلوب مراکز جدید مسکونی و کاری می شود. در ادامه این کارگروه برخی از پروژه های عمرانی استان مورد بررسی قرار گرفته و با دریافت مجوزات لازم از سوی سازمان های مربوطه اقدام به آغاز عملیات عمرانی خود خواهند کرد.

# تشدید ناتوانی خانوارها در تأمین مسکن

طبعاً توان خانوارها در بخش پرداخت مسکن هم کاهش یافته و شکافی که در گذشته وجود داشته، عمیق تر خواهد شد و ناتوانی خانوارها در مسکن گسترده تر از گذشته خواهد شد. وی عنوان کرد: با این شرایط مشکلات تأمین مسکن افزایش یافته و متقاضی نمی تواند سهم آورده ای که انتظار است را فراهم کند. مرتضوی اضافه کرد: همزمان با آزادسازی نرخ ارز باید در بخش های دیگر اقتصادی هم شرایط و تمهیداتی اندیشیده شده که منجر به افزایش توان خانوارها شود. وی عنوان کرد: اگر یارانه را با این افزایش نرخ ارز در طول یکسال گذشته متناسب کنیم با افزایش قابل توجه نقدینگی مواجه می شویم که آن هم خطراتی با خود همراه دارد و موجب ایجاد تورم عمومی و دور از دسترس و خارج از انتظار را می شود بنابراین نسخه ای که پیچیده شده توسط دولت باید متفاوت باشد و فراتر از آن چیزی که هم اکنون در نظر گرفته شده مد نظر قرار گیرد. مرتضوی ادامه داد: دولت باید تلاش کرده به اشکال مختلف و با رفع تحریم ها اقتصاد کلان کشور را تقویت کرده و نقدینگی را مهار کند زیرا این امر موجب تورم سنگین و جهش های بی سابقه قیمت خواهد شد.



و زمانی که سهم تأمین کالاهای معیشتی در سبد درآمدی خانوار بالا رود، طبعاً سهمی که به حوزه مسکن باید اختصاص داده شود بیشتر می شود. مرتضوی توضیح داد: البته ما به واسطه گرانی شاهد افزایش قیمت مسکن و اجاره بها هستیم و حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد از پرداخت خانوارها به این موضوع اختصاص می یابد که نسبت به کشورهای توسعه یافته، قابل تأمل است. این فعال صنعت ساختمان گفت: در هر حال زمانی که کالایی در جامعه گران شده و قیمت خدمات افزایش می یابد

نرخها از یکدیگر متأثر هستند و نمی توان به صورت دستوری قیمت بخشی را گران کرد و در کالاهای دیگر تغییری نبینیم و این امر در گذشته هم ثابت شده که به صورت تکلیفی و دستوری ثابت نگه داشتن قیمت ها امکان پذیر نیست بنابراین اختلالاتی را در بسیاری از حوزه های تولیدی و اقتصادی شاهد خواهیم بود. وی در خصوص تأثیر حذف ارز بر مسکن، بیان کرد: به طور متوسط ۲۵ الی ۳۰ درصد از درآمد خانوارها برای تأمین مسکن و پرداختها در این حوزه صرف می شود

یک کارشناس اقتصادی حوزه مسکن، با اشاره به حذف ارز ترجیحی که باعث تشدید ناتوانی خانوار در تأمین مسکن شده، گفت: دولت باید تمهیدات جایگزین بیندیشد. سید محمد مرتضوی اظهار کرد: ارز ترجیحی توسط اقتصاددانان بیان شده که همگی به برخی سوء استفاده ها از ارز ترجیحی و رانت و آسیب به اقتصاد کشور اشاره دارد. این کارشناس اقتصادی گفت: این عمل باعث کاهش محصولات و تولید شده زیرا تولیدکنندگان مجبور بودن مواد خود را به نرخ های آزاد خریداری کنند. وی توضیح داد: منکر نابسامانی های ارز ۴۲۰۰ نیستیم و قطعاً باید بپذیریم که تک نرخی شدن ارز و یکسان سازی آن یکی از اقدامات خوبی بود که در درازمدت و در بازه میان مدت شرایط ما را بهتر از گذشته کند و قیمت ها به نرخ واقعی خود نزدیک شود. مرتضوی بیان کرد: اما این عمل وجه دیگری هم دارد زیرا با حذف ارز ترجیحی و یکسان سازی نرخ ارز، برخی از کالاها با قیمت های بالایی به صورت چند برابری در اختیار مصرف کننده قرار می گیرد. عضو شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی افزود: در اقتصاد همه



## آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به حمل ۲۰۰۰ تن آسفالت و ۳۰۰۰ تن بیس را با مبلغ بر آورد اولیه ۱۰/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بدون تعدیل مشخصات پیوست دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری می توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۴ لغایت ساعت ۱۴:۱۵ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۴ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی WWW.setadiran.ir مراجعه و ضمن دریافت اسناد مناقصه نسبت به تکمیل و ارائه اسناد در پاکت الف: تضمین (تضمین شرکت در مناقصه در سامانه بارگذاری و اصل به آدرس گرگان میدان شهرداری، شهرداری مرکز واحد دبیرخانه تحویل گردد) در پاکت ب: (اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات شرکت، رزومه، صلاحیت پیمانکاری، اسناد و مدارک شرکت در مناقصه) (لازم به ذکر است تمامی مدارک به صورت شفاف و اسکن در یک فایل با حجم ۱۰ مگابایت بارگذاری گردد. چنانچه مدارک بالاتر از ۱۰ مگابایت بود در فایل دیگر بارگذاری گردد و برای اشخاص حقیقی فتوکپی کارت ملی و شناسنامه) و در پاکت ج (پیشنهاد قیمت لازم به ذکر است در قسمت پیشنهاد قیمت درصد پلوس و مینوس ذکر شود) به شرح ذیل در مدت زمان تعیین شده اقدام نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

محمدرضا سبطی - شهردار گرگان م. الف ۱۱۱۲۵

## مفقودی

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶

به شماره پلاک ۹۵۵۳۱۶ ایران ۵۹

متعلق به تانیا بانای فرزند خسرو به

شماره موتور ۰۳۲۱۰۴ ۱۶۵۸۰ و شماره

شناسی NAAP۰۳EE۵FJ۲۲۲۷۴۴

مفقود گریده و از درجه اعتبار

ساقط می باشد.

حاج صادق آهنگران:

## این جای خالی به آسانی پر نمی شود

محمد زمان گلدسته

۱۳۵۴\_۱۴۰۱

و بنده داشت باب این آشنایی را باز کرد.

با توجه به اینکه سالهای مداوم با هر دو این عزیز کار کردید چه شباهتی هایی بین مرحوم معلمی و مرحوم گلدسته وجود داشت؟  
روحیات این دو بزرگوار کاملاً شبیه بهم بود. هیچ کدام توقع مالی نداشتند و بسیار خستگی ناپذیر بودند. شباهت دیگری که در این دو عزیز وجود داشت این بود که خداوند مهر من را در دل هر دو نهاده بود و ارادت خاصی به من داشتند که این موجب شده بود در مراحل دشوار کاری همواره کنار من بمانند و اشعار ماندگاری بسرایند.

اولین دیدارتان چگونه بود؟

طبق گفته های خود محمدزمان گلدسته در مسجد آیت الله جزایری شهر اهواز اولین دیدار ما شکل گرفت. پسری نوجوان بود که در مسجد نزد من آمده و گفتگوی کوتاهی بین ما برقرار شد. پس از آن اولین شعر خود را که شعر «علی



من و محمدزمان گلدسته از سال ۱۳۷۷ الی ۱۳۹۱

همکاری داشتیم، اما این همکاری در آن سال ها پررنگ

نبود. پس از سال ۹۱ همکاری ما شدت گرفت

کامل داشتیم. به شعر نو مسلط بود و در غزل همچون شعر آیینی بسیار قوی ظاهر شده بود. طبع بسیار روانی داشت و هر زمان که اراده می کرد، می توانست بهترین اشعار را بسراید. در هر زمینه ای با هر موضوعی و در هر زمانی شعر مورد نظر را می سرود و بابت محتوای آن شعر خیالم به قدری راحت بود که می توانستم بدون هیچ ترس و دلهره ای آن را حتی مقابل رهبری اجرا کنم. به عقیده من محمد زمان گلدسته معجزه ای برای انقلاب بود نه من. لطف شهدا شامل حال وی شده بود و او را در برپایی هرچه با شکوه تر مجالس شان کمک می کردند. زمان بسیار محبوب و آرام بود و مثل یکی از اعضای خانواده همیشه همراه و یاور من بود. این نزدیکی بین ما موجب شده بود تا رفاقتی عمیق بین ما شکل گیرد. رابطه ما فراتر از رابطه بین یک شاعر و مداح بود. زمان بیشتر برای من رفیق بود تا همکار. در مواقعی که کسی با تلخی با من رفتار می کرد یک حامی بود و با یکدیگر بسیار مانوس بودیم.

آخرین اشعار یا شعری که برای شما سروده بود را به خاطر دارید؟

بله، چهار شعر بود. یکی از این اشعار برای لحظه تحویل سال بود که جمعی از رزمندگان مازندران و گلستان در اردوگاه هفت تپه قرار داشتند و من از زمان خواستم شعری بنویسد تا در آن مراسم اجرا کنم. دومین شعر او را در مراسم سالگرد سردار کوسه چی که در ذفول برگزار شده بود اجرا کردم. پس از آن در مراسم فرزند آیت الله شفیعی نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری شعری از زمان اجرا کردم و در نهایت آخرین شعری که محمدزمان گلدسته سروده و من اجرا کردم شعری بود که در سوگ یک مادر و خواهر شهید سروده بود و در ایام نوروز ۱۴۰۱ توسط من در منزل این بانوی خوزستانی اجرا شد.

گویا زمان شعری هم برای شهادت سردار سلیمانی سروده بود درست است؟  
بله درست است. شبی که حاج قاسم شهید شد همه ما بهم ریخته بودیم. شب سختی بود و کسی توانایی هیچ کاری را نداشت. با چند تن از دوستان تماس گرفتم هیچ کدام حس و توانایی کار نداشتند بالاخره از زمان خواستم و گفتم برای برنامه فردا شعری می خواهم. ابتدا گفت آنقدر ناراحت هستم که توانایی سرودن شعر را ندارم. پس از مدت زمان کوتاهی دوباره تماس گرفت و گفت این کار را خواهد کرد. فهمیده بودم چقدر برای او دشوار است که در این موقعیت این کار را بکند اما در نزدیکی های صبح شعری برای من فرستاد که بسیار خواندنی بود. آن شعر واجرا اولین اثری بود که در وصف شهید سلیمانی پخش شد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

دوباره آخرین تماس یا دیدارتان با زمان بگوئید؟

دو روز از پیش از وقوع حادثه، به صورت تلفنی با یکدیگر گفتگویی داشتیم و در خلال این گفتگو قرار بر این بود که به تهران آمده و برای بررسی یک پروژه با یکدیگر به گفتگو بنشینیم و آخرین دیدار ما در روزهای پایانی اسفندماه ۱۴۰۰ در منزل پدری زمان رخ داده بود. من برای حضور در مراسم یادواره شهدای انجیراب به گرگان آمده و همراه وی در این مراسم شرکت کردیم. پس از آن مراسم من به تهران بازگشتم و دیدار دوباره ما میسر نشد. البته باید بگویم بعید به نظر می رسد به این زودی ها کسی با منش، استعداد و توانایی زمان گلدسته پیدا شود و من بتوانم به راحتی به کسی اعتماد کنم و خیالم بابت اشعار آثار راحت باشد. به روح پاک وی متوسل شده ام که همانطور که در طول این سال ها من را تنها نگذاشته الان هم یاور من باشد و امیدوارم معجزه دیگری در زندگی من رخ دهد. پیش از این هم گفته ام؛ زمان تنها شاعر آثار من نبود. او یک همراه و رفیق برای من بود که و یک رابطه عاطفی بین ما شکل گرفته بود. این جای خالی به آسانی پر نمی شود و باری که رفتن او بر دوش من گذاشته بسیار سنگین و غیرقابل هضم است. از حضورتان در این گفت و گو سپاسگزاریم

ای شهیدان بخون غلطان خوزستان درود  
لاله های سرخ بی سر گشته ی ایران درود

این بیت اولین بیت یک نوحه بود که صادق آهنگران در اولین دیدار پاسداران خوزستان با امام، نزدیک به چهل سال پیش، شاید بیشتر، محضر ایشان خواندند و در تلویزیون پخش شد. از آن زمان تا به امروز آهنگران برای شهیدان می خوانند. به این خاطر کمتر کسی پیدا می شود که نام و آوای او را نشنیده باشد. فرقی ندارد، در ایام دفاع مقدس بیست ساله باشی، یا بیست سال پس از جنگ به دنیا آمده باشی، بهر حال حاج صادق آهنگران حال و هوای دلاوری را برای تو تداعی می کند. وی نقش پررنگی در دفاع مقدس داشت و تلاش های شبانه روزی اش برای حفظ این میراث همچنان ادامه دارد. آهنگران یک نماد از ایستادگی در برابر دشمن است. نمادی از هنر دفاع مقدس و نمادی از روزهای سخت، تلخ و شیرینی که محال است از یاد این مردم برود. آهنگران در فقدان زمان گلدسته به گرگان آمد و بهانه ای شد تا با او گفتگویی بگیریم. صادق آهنگران می گوید: دو شاعر (زنده یاد معلمی و مرحوم گلدسته) او را در این سال ها همراهی کرده اند که بدون آن ها آهنگران، آهنگران نمی شد. حضوری که برای او به معجزه می مانست و کمتر کسی این معجزه های زندگی او را می شناخت. گفت و گو گلشن مهر را با ایشان بخوانید.

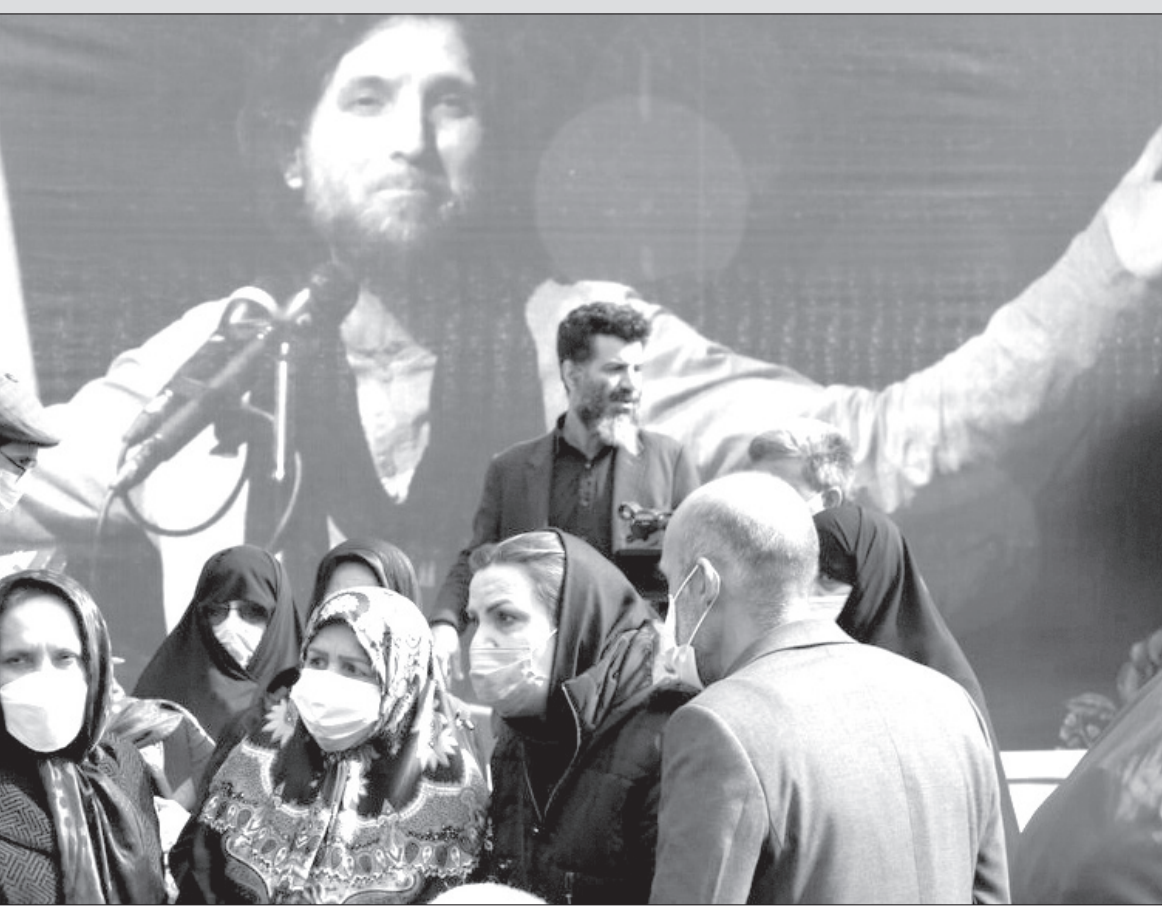
جناب آهنگران با سلام خدمت شما و تشکر از اینکه گفت و گو با گلشن مهر را پذیرفتید. اگر موافق باشید از کمی قبل تر از آشنایان با زنده یاد گلدسته آغاز کنیم و بپرسم اولین کسی که اشعار شما را سرود چه کسی بود؟ با سلام خدمت شما و مخاطبان گلشن مهر و عرض تسلیت بمناسبت فقدان تلخ برادر گرامی محمد زمان گلدسته باید عرض کنم در دوران جنگ لطف خداوند شامل حال من شد و به صورت اتفاقی با فردی آشنا شدم که توانست کمک زیادی به من در آن روزهای سخت پرمشغله کند. حبیب الله معلمی شاعری بود که من در دوران جنگ با وی همکاری داشتم و این همکاری موجب ایجاد پیوندی عمیق بین ما شد. مرحوم معلمی تا سال ها شاعر مداحی های من بودند و پس از فوت ایشان جای خالی وی به خوبی مشهود بود.

همکاری شما با هم چگونه بود؟

فعالیت های فرهنگی من هم زمان جنگ و هم اکنون بسیار زیاد است. اما در دوران دفاع مقدس با حجم زیادی از کار روبرو بودم. باید برای جذب نیرو و به شهرستان های کشور می رفتم و البته هر بار باید نوحه ای جدید و تاثیرگذار می خواندم. با در شب های پیش از عملیات باید در محضر فرماندهان حاضر می شدم. روزهای جنگ ما هر روز در صدا و سیما پخش داشتیم و خواندن اشعار تکراری یک نوع ضعف بود که مرحوم معلمی اجازه این کار را نمی دادند و هر زمان که از ایشان می خواستم اشعار تازه ای برای من آماده می کردند.

با مرحوم محمدزمان گلدسته چطور آشنا شدید؟ شما خوزستان، زمان گلدسته گرگان، آشنایی عجیبی است؟

بله خیلی عجیب و جالب اما خواست خدا بود. پس از در گذشت حبیب الله معلمی پر کردن جای خالی ایشان برای من خیلی سخت بود اما دوباره لطف خداوند شامل حال من شد و با زمان گلدسته آشنا شدم. در سال های پس از پیروزی دفاع مقدس ما در مسجد آیت الله جزایری شهر اهواز برنامه اجرا می کردیم که محمدزمان در سن ۱۳-۱۴ سالگی برای گوش دادن به نوحه خوانی من ارتباط گرفتن اهواز می آمد. خاطرم هست گویا چند شب هم توی پارک خوابیده بود تا من را ببیند و با این حال و احوال در این برنامه ها شرکت می کرد. از همان سنین نوجوانی طبع شعر داشت و علاقه ای که به اشعار مرحوم معلمی



گفتگو با حاجیه خانم رحمانی  
یار و یاور محمد زمان گلدسته؛

# مادر غم‌پرور من...

تازه باران شدت گرفته بود که به ابتدای کوچه لاله رسیدم. وارد کوچه شده و از دور با دیدن بنرهای تسلیت، خانه‌ای که پیش از این به آنجا نرفته بودم را شناختم. بعد از باز شدن در، وارد یک راهرو شدم که به حیاط می رسید. در انتهای حیاط اتاقی بود که مادر محمدزمان آنجا منتظر آمدنم بود. به حیاط نگاه کردم. به درختان سبز و تنومندش که بی تفاوت از غصه‌ای که خانه را فرا گرفته رشد کرده و به زندگی ادامه می دهند. وارد اتاقی شدم. صدای گرمی از پشت پرده‌ای به گوشم رسید و گفت: «بفرمایید بنشینید. الان میام». همزمان با نشستن چشمم به قاب عکس‌هایی افتاد که درست زیر تلویزیون قرار داشتند و خدامی داند مادر چندساعت در روز به بهانه تماشای سریال و برنامه‌های موردعلاقه اش به آن‌ها چشم دوخته و غرق در تصویر پسرش شده است.

چشمم به عکس‌ها بود که زنی لاغر اندام، با چشمانی نافذ از پشت پرده بیرون آمد. لبخند گرمی تحویل داد و با دستاش دستم را به گرمی فشرد.

نام نرگس رحمانی برای مردم گلستان غریبه نیست. این زن صبور و با استقامت و کارآفرین گرگانی سال‌ها در مجامع اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی این استان حضور داشته و اقدامات ارزنده‌ای انجام داده است. رحمانی از روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی پشت جبهه به حمایت پرداخته و محمد زمان، فرزند ارشدش پا به پای او در این فضای روحانی و معنوی بزرگ شده است. بدون شک زندگی با چنین مادری می‌تواند مسیر زندگی هر کس را تغییر دهد. اگرچه محمدزمان گلدسته دانا یک شاعر و هنرمند بود اما حضور در مجامع دینی از زمان خردسالی تأثیر زیادی بر مسیر زندگی وی گذاشته که این اثر در اشعار وی به خوبی مشهود است. از مادر محمدزمان از فضایی پرسیدم که فرزندان وی در آن بزرگ شده‌اند. او با بیان اینکه فرزندان همانند وی و پدرشان در یک خانواده مذهبی رشد کرده‌اند، گفت: خانه ما محل رفت و آمد علمای بزرگی بود و پدر بزرگ محمدزمان یکی از تجار و خیرین شهر گرگان، مردی بسیار دین‌دار و متدین بود. بنا و پایه این خانواده چه از جانب خانواده پدری و چه خانواده مادری بر روی دین و مذهب استوار بود. رحمانی از همزمانی پیروزی انقلاب اسلامی با دوره رشد محمدزمان سخن گفت و ادامه داد: سه سال پس از تولد اولین فرزندم، محمد زمان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و شرایط تربیتی و رشد وی در آن زمان خاص شکل گرفت. دو فرزند دیگر من نیز در بچوبه پیروزی انقلاب و سال‌های پیش از دفاع مقدس به دنیا آمدند و اینگونه بود که فضای خانوادگی ما و رشد فرزندانم در آن روزهای خاص ایجاد شد. مادر محمدزمان گلدسته ادامه داد: زمان خردسالی بود و پا به پای من در تظاهرات شرکت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ همچنان در کنارم بود و در فعالیت‌ها حضور داشت. از فعالیت‌هایی که محمدزمان خردسال در ایام انقلاب و جنگ تحمیلی انجام داده بود، سوال کردم.

مادرش به یاد ایام گذشته لبخندی زد و گویی تصاویر آن روزها جلوی چشمش زنده شد.

با افتخار برایم از ایجاد یک پایگاه کمک‌رسانی به جبهه سخن گفت. از این که پیش از تشکیل ستاد پشتیبانی جنگ در یکی از محله‌های قدیمی شهر گرگان و خانه وقعی خانواده اش این پایگاه را تشکیل داده و پسرش پا به پای او در آن جا به فعالیت می‌پرداخت. مادر محمد زمان در ادامه گفت: زمان در سن خردسالی در این

در سن ۱۱ سالگی علاقه شدیدی به حضور در جبهه داشت که به دلیل پایین بودن سن، این امکان برای وی وجود نداشت. حتی یک بار به صورت مخفیانه وارد اتوبوس رزمندگان شده بود اما موفق به همراهی آن‌ها نشد.

از جایش بلند شده و دوباره به پشت همان پرده می‌رود. این بار با یک کیف دستی برگشته و در داخل کیف دنبال چیزی می‌گردد. در سکوت تماشایش می‌کنم که خودش می‌گوید: «یک عکس از دوران کودکی زمان داشتم که دوست دارم به شما نشان بدهم».

همچنان مشغول گشتن در کیفش بود که دوباره گفت: «پیداش کردم» و سپس عکسی رنگ و رو رفته را به دستم می‌دهد. پسری حدوداً ۳-۴ ساله وسط یک خیابان ایستاده، لبخندی پررنگ و عکسی از امام خمینی بر لباسش فوری توجه بیننده را جذب می‌کند و سپس دو ردیف رزمنده را می‌بینی که با لباس‌های خاکی رنگ در دو طرف زمان ایستاده‌اند. مادر محمد زمان همچنان که نگاهش بر عکسی که در دستان من است، ادامه داد: در آن دوران فضای جامعه بسیار معنوی بود و این تأثیر بزرگی بر آثار زمان گذاشته بود. همنشین با رزمندگان و خانواده‌های شهدای دفاع مقدس موجب شده بود تا روح لطیف زمان تحت تأثیر قرار گیرد و آن فضا بر آثار زندگی وی اثرگذار باشد. عکس را به او بر می‌گردانم و همچنان که مثل یک شی شکستی با احتیاط آن را در کیف دستی اش جای می‌دهد می‌گوید: اکثر کسانی که زمان در کودکی در پایگاه‌های بسیج، همراه و کنار آن‌ها بود در جنگ تحمیلی شهید شدند و او به نوعی از دست دادن برادر بزرگ تر و رفیق را در کودکی حس کرده بود. به عقیده من این فراع موجب شده بود تا طبع شعر وی بسیار لطیف باشد و همه این عوامل موجب شد تا محمدزمان گلدسته به اوج برسد. نرگس رحمانی آن ایام را جرقه‌ای برای علاقه محمد زمان به شعر آیینی عنوان کرد. به عقیده وی جنگ و حضور در فضای معنوی پشت جبهه موجب ایجاد علاقه وی به حاج صادق آهنگران شد. به طوری که زمان دائماً در حال خریداری کردن نوارهای مداحی وی بود. رحمانی ادامه داد: از کودکی علاقه عجیبی به حاج صادق آهنگران داشت و همیشه نوارهای مداحی وی را تهیه می‌کرد و تمام آن‌ها را از حفظ بود. پس از اینکه جنگ تمام شد، در سفرهای یک روزه به اهواز می‌رفت تا فقط آهنگران را از نزدیک ببیند.

غرور و افتخاری در صدای رحمانی است که موجب می‌شود سرم را از روی کاغذ برداشته و به چهره اش نگاه کنم. لبخندی به لب دارد و می‌گوید: تقریباً ۷-۸ ساله بود که شعری در گوشه یکی از کتاب‌هایش دیدم و فهمیدم که استعداد سرودن شعر را دارد. سال ۱۳۶۶ یک شعر در خصوص «کویت» گفته بود که اولین شعر جدی وی محسوب می‌شد.

لبخندش پررنگ تر شده و ادامه می‌دهد: زمان شاعر خوبی بود. مادر محمدزمان گلدسته از رابطه این شاعر گلستانی با مرحوم آقاسی بریامان گفت. به عقیده او محمدزمان به نوعی دنباله رو مسیر آقاسی

نام نرگس رحمانی برای مردم گلستان

غریبه نیست. این زن صبور و با استقامت

و کارآفرین گرگانی سال‌ها در مجامع اجتماعی،

سیاسی، مذهبی و فرهنگی این استان حضور داشته

و اقدامات ارزنده‌ای انجام داده است. رحمانی از

روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی پشت جبهه

به حمایت پرداخته و محمد زمان، فرزند ارشدش

پا به پای او در این فضای روحانی و

معنوی بزرگ شده است

فعالیت‌های اجتماعی حضور داشت و همواره در کنار من بود. مدتی پس از شروع جنگ پایگاه بسیج مستضعفین در گرگان شکل گرفت و من به همراه زمان در پایگاه شهدای محراب، مسجد جامع و مسجد ملاعلی حضور یافته و اقداماتی در راستای کمک به رزمندگان انجام می‌دادیم. چون زمان فرزند بزرگ من بود، از خردسالی در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی من را همراهی می‌کرد. رحمانی ادامه داد: پس از تغییر محل سکونت ما، پایگاه بسیج مهدی و مسجد قائم گرگان جدید محل فعالیت‌های ما به شمار می‌رفت. بیشترین فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در پایگاه بسیج مهدی رخ می‌داد که محمد زمان به همراه دو فرزند دیگر من، سعید و سعیده در گروه تئاتر این پایگاه فعالیت می‌کردند. فعالیت‌های فرهنگی وی از همان دوران آغاز شده و در دوران مدرسه نیز آن‌ها را ادامه داده بود. زمان عضو ثابت نماز جمعه، مراسم‌های قرائت دعای کمیل، ندبه و توسل بود. تا سن ۱۴-۱۵ سالگی همیشه همراه من در مراسم‌های مختلف شرکت می‌کرد و پس از آن که کمی بزرگ تر شد در پایگاه‌های بسیج حضور می‌یافت و عشق عجیبی به آن فضا داشت. از او در خصوص علاقه محمدزمان به حضور در جبهه جنگ پرسیدم و پاسخ داد:



و سیما حضور یابد. از آن دوران به بعد رابطه اش با حاج صادق آهنگران نیز بیشتر شد و تقریباً در تمامی سفرها وی را همراهی می کرد.

طبیعتاً شکل گیری مجمع شعرای گلستان تأثیر زیادی بر ارتقا اشعار آیینی گلستان گذاشت. محمدزمان گلداسته با حضور در این مجمع یکی از پیشگامان این هنر بود که توانست در اشاعه شعر آیینی اثرات مثبتی بگذارد. نظر مادر وی در این خصوص نیز چنین بود. نرگس رحمانی افزود: تأثیری که زمان بر شعر آیینی گلستان گذاشته بود به عینه قابل رویت بود. پس از هر شعرخوانی عده ای از جوانان به سراغ او می رفتند و به صبوری به سوال هایشان پاسخ می داد. در این سال ها افراد زیادی به دیدنش آمده بودند و یا به صورت تلفنی با او در ارتباط بودند و زمان از هیچ کمکی برای یاری رساندن به آن ها و پیشرفت طبع شاعرانه شان دریغ نمی کرد. به نوعی همواره در حال آموزش دادن بود و به دلیل محتوای ارزشمند اشعارش تأثیر زیادی بر جذب مخاطبان داشت.

از دغدغه ها و اولویت های اصلی زندگی محمدزمان گلداسته پرسیدم و مادرش پاسخ داد: زمان بسیار عاشق خانواده بود و اولویت اصلی وی در زندگی خانواده اش بود. روحیه بسیار حساسی داشت و همیشه طبق برنامه آموزش را پیش می برد. اما بیشترین دل مشغولی وی در این اواخر تهیه و تنظیم کتابی بود که در خصوص آثار مشترک وی با حاج صادق آهنگران به نگارش درآمده بود. زمان زیادی برای ویرایش آن صرف کرده بود و در مراحل پایانی قرار داشت که این اتفاق برای او رخ داد و موجب شد که به سرانجام نرسد.

مادر این شاعر گلستانی ادامه داد: همیشه نگران دخترانش بود. بارها به من می گفت که مراقب آن ها باشم و نگذارم چیزی آزارشان دهد. زمان سختی های زیادی در زندگی کشید و به عقیده من این سختی ها موجب شد تا او به محمد زمان گلداسته تبدیل شود. دل سوختگی های وی در زندگی موجب شده بود تا شعر اهل بیت (ع) از سینه او برون آید و به دل مخاطبان بشیند. این فعال اجتماعی و کارآفرین گلستانی در انتهای سخنانش گفت: امیدوارم مسئولان استانی و کسانی که دغدغه فرهنگ دارند، اجازه ندهند شعر زمان و اهل بیت فراموش شود. زمان برای زنده نگه داشتن پرچم اهل بیت (ع) سال ها تلاش کرده و اکنون مسئولان باید با الگوسازی و دنبال کردن راه محمد زمان گلداسته و امثال او، پرچم اهل بیت (ع) را همچنان بالا نگه داشته و آن را به نسل های بعدی انتقال دهند.

رحمانی ادامه داد: خداوند را شاکرم که همچنین فرزندی به من عطا کرد و امیدوارم اگر در تربیت آن کوتاهی کرده ام من را ببخشد. از همه کسانی که چه در طول زندگی و چه پس از مرگ در کنار زمان بودند و او را فراموش نکردند، سپاسگزارم و تقاضا می کنم اگر فرزند من حقی بر گردن آن ها دارد، وی را ببخشند. همچنین از آیت الله نورمفیدی، حاج صادق آهنگران و دیگر کسانی که نقش تأثیرگذاری در زندگی زمان داشته اند تشکر ویژه ای می کنم. گفتگوه پایان رسید و غرق در تماشای این زن صبور و مقاوم هستم که با شور و هیجان خاطراتی از روزهای گذشته و زندگی اش را تعریف می کند. زنی که اتفاقات زیادی را از سر گذرانده و همچنان سرپا ایستاده و همچون درختان تنومند و سرسبز حیات به زندگی ادامه می دهد.

یک شعر بنویسم. هیچوقت برای سرودن زمان خاصی نداشت و برای شعر گفتن تقلا نمی کرد. حاج خانم رحمانی با افتخار این جملات را بر زبان می آورد و ادامه می دهد: شعر در وجودش می جوشید و اگر کسی یک شعر با موضوع خاصی از او می خواست، همانطور که حاج صادق آهنگران از او درخواست می کرد، می رفت به حیاط و پس از قدم زدن شعرش را می نوشت. نگاهی به حیاط می اندازد و با حسرت می گوید: شب های زیادی در این حیاط قدم زده و شعر سروده. می توان گفت ۸۰ درصد اشعارش را در این حیاط سروده است.

دنباله نگاهش را می گیرم که هنوز در حیاط است. انگار که امیدوار است دوباره پرسش را در حیاط مشغول قدم زدن و شعر سرودن ببیند.

نمی توانستم اجازه دهم بیشتر از این در چنین رویای دست نیافتنی ای غرق شود؛ به این دلیل از او پرسیدم که آیا محمدزمان برای او شعر می خواند؟ که پاسخ داد: معمولاً هر شعری که می گفت اول از همه از من نظرخواهی می کرد. همیشه به من اطلاع می داد و نظر می خواست. راجع به بعضی از اشعارش که آن ها را خیلی دوست داشت با من صحبت می کرد و موقعیتی که آن شعر را گفته بود را شرح می داد. همیشه به دنبال تایید من بود و دوست داشت که نظرم را راجع به آثار و برنامه هایی که اجرا می کرد، عنوان کنم.

در بین صحبت هایش تلفن همراهش را در می آورد تا عکس های دیگر محمدزمان را نشانم دهد. کمی که با آن ور می رود می گوید: «انگار تلفنم دوباره مشکل پیدا کرده. هر وقت این اتفاق می افتد زمان درستش می کند».

متوجه شدم که در بین صحبت هایش جوری از پرسش صحبت می کند که انگار هنوز هست. متوجه شدم که نمی گوید محمدزمان شاعر بزرگی بود، می گوید هست. نمی گوید زمان به خانواده اش علاقه عجیبی داشته، می گوید زمان عاشق خانواده اش است...

مادر محمدزمان از تأثیر آیت الله نورمفیدی بر شناساندن فرزندش به جامعه فرهنگی و هنری گلستان سخن گفت و ادامه داد: یکی از کسانی که نقش پررنگی در شناساندن زمان به جامعه فرهنگی و هنری گلستان داشته اند، آیت الله نورمفیدی هستند. محمدزمان سال ها در محافل خودمانی تر و برنامه هایی مشابه یادواره شهدا که توسط من و سایر فعالان فرهنگی و اجتماعی برگزار می شد شعرخوانی می کرد. خاطرمد است در سال ۱۳۷۹ من تصمیم به برگزاری اولین یادواره شهدای فلسطین

### نرگس رحمانی:

**زمان بسیار عاشق خانواده بود و اولویت اصلی وی**

**در زندگی خانواده اش بود. روحیه بسیار حساسی**

**داشت و همیشه طبق برنامه آموزش را پیش می برد.**

**اما بیشترین دل مشغولی وی در این اواخر تهیه و**

**تنظیم کتابی بود که در خصوص آثار مشترک وی**

**با حاج صادق آهنگران به نگارش درآمده بود. زمان**

**زیادی برای ویرایش آن صرف کرده بود و در**

**مراحل پایانی قرار داشت که این اتفاق برای او رخ**

**داد و موجب شد که به سرانجام نرسد**

گرفتم و با دعوت از نماینده جنبش حزب الله لبنان، مرحوم آقاسی، آیت الله نورمفیدی و سایر مسئولان استانی این یادواره را برگزار کردیم.

لبخندی می زند و می گوید: من و زمان خیلی شبیه بهم بودیم. برای رسیدن به اهدافمان همه کار می کردیم. سپس در ادامه سخنانش گفت: در آن مراسم یادواره شهدا، زمان شعری خواند که بسیار مورد توجه آیت الله نورمفیدی قرار گرفت و از او دعوت کرد که در نماز جمعه، بین دو خطبه این شعر را که ۷۲ بند بود، بخواند. تا پیش از این اشخاص زیادی زمان را نمی شناختند و پس از این ماجرا و گفتگوی محمد زمان با آیت الله نورمفیدی، ایشان تصمیم گرفتند در راستای ارتقای شعر آیینی و ضرورت انتقال فرهنگ ناب اهل بیت (ع)، مجمع شعرای اهل بیت (ع) در موسسه فرهنگی میرداماد شکل گیرد. وی ادامه داد: آیت الله نورمفیدی بارها به زمان گفته بودند که شما و امثال شما باید برای ملأحان ما شعر بسرایید تا عظمت و شان اهل بیت را به خوبی نشان دهند. این اتفاق کمک بزرگی به شناساندن زمان به جامعه فرهنگی کشور و گلستان کرد و موجب شد تا در مراسم های بزرگ استانی و صدا



بود و سال ها تلاش کرد تا بتواند با او ارتباط برقرار کند. رحمانی در خصوص تأثیر آقاسی در زندگی هنری محمدزمان گلداسته گفت: سبک شعری زمان از سال ۱۳۷۴ تغییر کرد و مسیر آقاسی را پی گرفت. پس از برقراری ارتباط بین آن دو، با هم بسیار با هم صمیمی شدند به طوری که فرزندان مرحوم آقاسی نیز بسیار با زمان صمیمی بودند و رفت و آمد داشتند. آقاسی تأثیر زیادی در معرفی و شناخته شدن زمان به جامعه شعر کشور داشت. به این صورت که پس از حضور در یک برنامه تلوزیونی که در شب های محرم پخش می شد، از زمان نام برد و از عوامل برنامه خواست تا وی را در آن برنامه دعوت کنند. این موضوع پای زمان را به تهران و صدا و سیما باز کرد.

نرگس رحمانی از تأثیر منفی ای که فوت آقاسی بر زندگی زمان گلداسته گذاشت سخن گفت و ادامه داد: پس از این حادثه زمان به نوعی فرو ریخت. بسیار این غم برایش سنگین بود و تا مدت ها عزادار بود. بعد از اینکه مرحوم آقاسی فوت شد زمان خود را موظف دید که راه او را ادامه دهد و نگذارد سبک شعر او فراموش شود که موفق هم بود و همه محمد زمان گلداسته را یادآور آثار محمدرضا آقاسی می دانستند. یکی دیگر از افراد تأثیرگذار و محبوب زندگی محمد زمان گلداسته حاج صادق آهنگران است. این دو سال های متممادی با یکدیگر همکاری داشته و علاوه بر همکاری، دوست و یاور هم بودند. مادر محمدزمان از علاقه اش به حاج صادق آهنگران گفت. از روزهایی که زمان برای دیدن وی در سفری یک روزه به اهواز می رفت و شب ها در پارک می خوابید تا بتواند با حضور در حسینیه از نزدیک حاج صادق را ملاقات کند. رحمانی ادامه داد: زمان سال ها ارتباط یک طرفه ای با حاج صادق آهنگران داشت. تا اینکه در سال ۱۳۷۷ یکی از شعرهایش را به وی داد و از آنجا ارتباط کم رنگی شکل گرفت و در طول سال ها این ارتباط رفته رفته بیشتر شد تا زمانی که به یکی از نزدیک ترین دوستان هم تبدیل شدند. نرگس رحمانی در خصوص حسن و حال محمدزمان در اولین باری که حاج صادق آهنگران شعری از او را خوانده بود، گفت: خیلی خوشحال بود. به دیدن من آمد و گفت که شعری که امروز حاج صادق آهنگران خوانده، از سروده های من بود. مادر مرحوم گلداسته ادامه داد: یکی دیگر از اشعارش که به آن افتخار می کرد اشعاری بود که برای شهید سلیمانی و شهید حججی سروده بود. خاطرمد است که یک شب تا صبح در حیاط قدم زد و شعری در وصف شهید سلیمانی سرود و بسیار هم اثر خوبی از کار درآمد.

از او در خصوص عادت های شعر سرودن محمدزمان پرسیدم. اینکه هرگز شاهد سرودن اشعار توسط فرزندش بوده است یا خیر. پاسخ داد: زمان همیشه عادت داشت که موقع خواب یک قلم و کاغذ کنار خود داشته باشد. عقیده داشت که شعر یک الهام است، علی الخصوص شعر اهل بیت و زمان این الهام مشخص نیست. بارها به طور ناگهانی از خواب بیدار شده و شروع به یادداشت می کرد. می گفت چیزی به ذهنم رسیده که باید آن را بنویسم. گاهی از سر سفره غذا بلند می شد و می گفت باید

# شعر غریب اهل بیت



پرچم قیام بر نداشتی / در دلت هزار درد داشتی  
ای غریب اهل بیت، مجتبی / عندلیب اهل بیت، مجتبی  
صلح تو جهاد اکبر تو بود / شاهدش دو دیده‌ی تر تو بود  
بر لب سکت و در دلت فغان / ای همیشه سربلند و جاودان  
بر لب سکت و در دلت خروش / ای همیشه سرفراز و سبز پوش  
بر لب سکت و در دلت غریو / یک فرشته بین بی شمار دیو  
\*

میوه‌ی دل علی و فاطمه / صبر کرده‌ای بدون واهمه  
ای غریب در میان خائفت / من چگونه سر دهم ترانه‌ات  
ای غریب در میان دوستان / آتشی ست لابلای بوستان  
آتشی که شعله‌اش کمند شد / فتنه از شراره‌اش بلند شد  
آتشی که زهر شد به کام تو / صبر، شد نتیجه‌ی قیام تو  
\*

صلح را جهاد نام داده‌ای / شبیه را به آن مقام داده‌ای  
پایه‌های دین جد خویش را / با صبوری‌ات قوام داده‌ای  
شیر خورده‌ی بتول اطهری / سر به سایه‌ی امام داده‌ای  
کر بلا نتیجه داد صبر تو / آبرو به آن قیام داده‌ای  
لابلای صلح، درس جنگ را / بر حسین تشنه کام داده‌ای  
ای که از پیاله‌ی شفاعتت / بر همه به لطف عام داده‌ای  
ماه میهمانی خدای را / با تولدت سلام داده‌ای  
من که لالم از بیان ذکر تو / بر لبم تو این کلام داده‌ای  
این گناهکار روسیاه را / شاه من! تو احترام داده‌ای!  
محمد (ص) / یکی بود و یکی تنها خدا بود  
خدا بود و خدا بی انتها بود / خدا بود و دلش تنگ خودش بود

و هر چه بود، هم رنگ خودش بود  
دلش می خواست تا خود را ببیند  
گلی از بوستان خود بچیند  
چنین شد تا به کار خلق، پرداخت  
و از نور خودش آینه‌ای ساخت  
چنان از چهره‌ی خود پرده برداشت  
که خود را در دل آینه‌اش کاشت  
در آن آینه‌ی صاف خدایی  
تجلی کرد ذات کبریایی  
خدا از نور خود تابید بر آن  
جمال خویش را می دید در آن

سپس اسرار خود را بر ملا کرد  
و آن آینه را احمد صدا کرد  
از آن آینه آتش بر عدم زد  
جهان را از گل رویش رقم زد  
خدا آینه را بی غل و غش ساخت  
دلش را روشن از نور خودش ساخت  
دل آینه‌ی حق صیقلی شد  
و نام دیگر آن هم "علی" شد  
در این دنیای بی پایان و بی حد  
خدا بود و علی بود و محمد  
\*

محمد نور عالمتاب عشق است  
محمد گوهر نایاب عشق است  
محمد حاصل پروردگار است  
فرزان از دل پروردگار است  
محمد جمع اوصاف الهی ست  
دلش آینه‌ی صاف الهی ست  
محمد جلوه‌ی ذات الهی ست  
و لریز از کرامات الهی ست  
جهانی را منور کرده نورش  
فلک مست است از عطر حضورش  
قلم از شرح مدحش شرمسار است  
بیان محدود و حسنش بی شمار است  
زبان از مدح احمد ناتوان است  
شناگیش زمین و آسمان است  
جهان را از وجودش آفریدند  
و از بهر سجودش آفریدند  
تمام کائنات و اهل آن ها  
زمین ها آسمان ها کهکشانشان ها  
به امر حق برایش سجده کردند  
ملائک پیش پایش سجده کردند  
\*

الای ملجأ و مأوی هستی  
وجود ناب و بی همتای هستی  
ترا دنیای دون و پست نشناخت

ترا با آن دو چشم مست نشناخت  
کسی جز اهل بیت در دو عالم  
ترا هرگز چنان که هست، نشناخت  
چه گویم من، که یوسف در جمالت  
پریشان شد، تریح از دست نشناخت  
زیانم شیوه‌ی حمد و ثنا را  
کمر گر چه به مدحت بست، نشناخت  
قلم نیز از تو جز اسم شریفست  
که از توصیف بیرون است، نشناخت  
\*

من از آن ذات بی حد می نویسم  
من از مولا "محمد" می نویسم  
الای برترین مخلوق هستی  
الای ساقی صهبای مستی  
تو نوری، معنی شمسالصحابی  
جهان را داده نورت روشنایی  
دمی که چهره بر عالم گشادی  
به خورشید از جمالت وام دادی  
الا ختم رسولان الهی  
به هم کوبنده‌ی جهل و تباهی  
جهان آکنده از درد است امروز  
زمین دلمرده و سرد است امروز  
عنایت کن که خود را و ارهانیم  
و در «شعب ابی طالب» نمایم  
عنایت کن، شب ما را سحر کن  
کریم! بر تهی دستان نظر کن  
اگر خوبیم، اگر بد... هر چه هستیم  
به عشقت شیشه‌ی دل را شکستیم  
غم عشقت دل از ما می ریاید  
و روح از کالبد بر می گشاید  
غم عشقت شرر بر جانمان زد  
هزاران شعله در هفت آسمان زد  
غم عشقت محبت را به ما داد  
«کتاب الله» و «عترت» را به ما داد  
دل ما چنگ زد بر این دو، یارا!

## غزل مثنوی در سوگ شاعر با اخلاص آل الله محمد زمان گلدسته

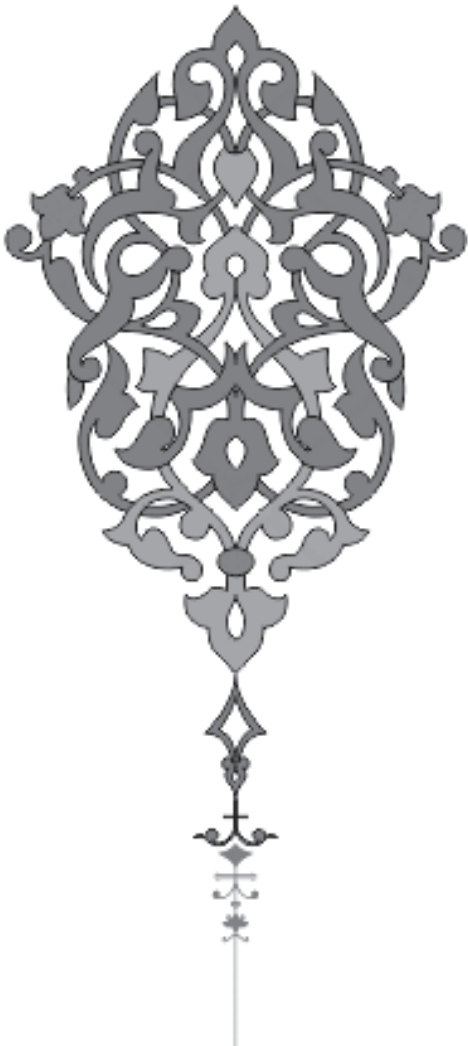
■ ابراهیم سنائی



در حرم دختری سه ساله که بود  
بی نهایت به عمه وابسته  
ناگهان یک نفر صدا زد و گفت:  
دارد از راه می رسد دسته  
دیدم آمد گروه سینه‌زنی  
با محمد زمان گلدسته  
آه، رفتم به سال‌های عقب  
سال‌هایی که تا سحر هر شب  
می نشستیم با زمان تا صبح  
در حسینیه نوحه‌خوان تا صبح  
از من آهنگ و از زمان نوحه  
شعله می زد به جانمان نوحه  
شعر می گفت مثل آب روان  
گریه می کرد با امام زمان  
یا حسین از زبان خواهر تو  
گفت او: (من به فکر حنجر تو)  
با همین نوحه کرد غوغایی  
بس که او داشت طبع زهرایی  
داشت این نوحه شور عاشورا  
بند بندش مرور عاشورا  
بین اشعار او نکین شده بود  
بس که این نوحه دلنشین شده بود  
مثنوی‌های او نظیر نداشت  
طبع زیبایی او نظیر نداشت  
می شد از کربلا به سوی دمشق  
ا که می گفت: (بسم رب العشق)  
خاطر اتم مرور شد در سر  
ستهای سینه‌زن رسید به در  
سینه می زد جماعتی خسته  
با اشارات دست گلدسته  
پاره شد رشته‌های افکارم  
دیدم احساس تشنگی دارم  
آمد از بین جمع سینه‌زنان  
جام آبی به دست داشت زمان

دید دلتنگ دیدن اویم  
کم کم آمد نشستیم پهلویم  
گفتم از حال خویشش با من  
ای رفیق شفیق حرف بز  
لب گشود آن رفیق دیرینه  
با صداقت شبیه آینه  
گفت: شد شعله‌ور تمام تنم  
مثل لب‌های شاه بی کفتم  
داشتم در سرم هوای حسین  
سوختم مثل خیمه‌های حسین  
ناگهان بین حرف‌های زمان  
کرد طبعم به سوگ او فوران  
شعر در ماجرای او گفتم  
چند بیتی برای او گفتم  
بس که گفتم غزل برای حسین  
سوختی مثل خیمه‌های حسین  
تازه فهمیده‌ای که لذت داشت  
سوختن لحظه‌ای به پای حسین  
گر گرفتی و ناله می کردی  
مثل فریاد ربنای حسین  
شعله‌ها با تو نوحه می خواندند  
دم گرفتند با تو (وای حسین)  
دارد آتش عطش به دنبالش  
تشنه لب گشته‌ای فدای حسین  
جامه‌ات تا که سوخت، افتادی  
یاد دامن بچه‌های حسین  
ای محمد زمان! عزیز دلم!  
یار دیرین آشنای حسین  
آن طرف بی گمان تو سلطانی  
این طرف بوده‌ای گدای حسین  
در قیامت دگر نمی سوزی  
سوختی بس که در عزای حسین  
پیکرت در زمین گرگان است  
روح پاکت به کربلای حسین

کنج هیئت نشسته‌ام خسته  
دم گرفتم مدام و پیوسته  
نوحه می خوانم اشک می ریزم  
می‌زنم من به سینه آهسته  
در گلویم بریده راه نفس  
سیل آهم مسیر را بسته  
فکرم از کوچه سوی علقمه رفت  
سمت سقای مست و ارسته  
دیدم از دور با نگاه خیال  
از هم اعضای اوست بگسسته  
خواهری در کنار او گریان  
با دلی بی قرار و بشکسته



خبر

نگارخانه هنرهای تجسمی در  
علی آباد کتول احداث می شود



مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت: نگارخانه هنرهای تجسمی در علی آبادکتول احداث می شود. به گزارش روابط عمومی، محمد رعیت در نشست صمیمانه با اهالی فرهنگ و هنر، رسانه و فعالان قرآنی شهرستان علی آباد کتول اظهار کرد: حضور پرشور اهالی این شهرستان در مجامع فرهنگی و هنری نشان از توانمندی، استعداد و ظرفیت بالای این مردم دارد. رعیت گفت: اولویت اصلی من از ابتدای انتصاب در سمت مدیر کلی فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان تعامل بیشتر با خانواده فرهنگ و هنر است. رعیت از همراهی مسئولان شهرستان علی آباد کتول برای رفع موانع معضلات حوزه فرهنگ و هنر این شهرستان سخن گفت و افزود: امیدوارم با همراهی و هم اندیشی مسئولان شهرستان علی آباد کتول خدمات شایسته و درخوری به خانواده فرهنگ و هنر این شهرستان ارائه دهم. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان ادامه داد: از آنجایی که تعامل بیشتر با مردم استان در دستور کار دولت سیزدهم و وزارت فرهنگ و ارشاد قرار دارد، در این نشست نیز ابتدا شنونده انتظارات و انتقادات شما هستیم رعیت صداقت در عمل را اصل اول خدمت به مردم بیان کرد و گفت: در اینجا آمادگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی را برای میزبانی جشنواره موسیقی مقامی و کنولی علی آباد کتول اعلام می کنم. وی افزود: حضور چهره های شاخص فرهنگی و پیشکسوتان فرهنگ و هنر در شهرستان های استان نیز از برنامه های آتی ما است و به زودی شاهد حضور این عزیزان در استان خواهیم بود. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان با اعلام آمادگی از سوی شهرداری و شورای اسلامی شهرستان علی آباد کتول از احداث یک نگارخانه برای ارائه هنرهای تجسمی این شهرستان خبر داد. در پایان این نشست از منتخبین و برگزیدگان پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان تقدیر شد.

گلستان در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه، شرایط تدریس با گذشته فرق دارد، گفت: امروز بنا به مقتضیات زمان، نیازها و شباهت متفاوت شده است. امروز لازم است با حفظ سنت های قدیم و حفظ ارزشها، متناسب با زمان پیش برویم و داشته های قدیم خود را همراه با آموخته های امروزی و مهارت های روز به جامعه و مخاطبان ارائه دهم. حجت الاسلام دیلم، اخلاص و تدریس بدون تبعیض را از ویژگی های مهم معلم و مدرس بیان کرد و گفت: پیامبر (ص) می فرمایند دورترین خلائق از خدا آموزگار کودکانی است که میان آنان همه را به یک چشم نگاه نکند و تبعیض قائل شود و در تدریس خدا را در نظر نداشته باشد.

سعدت و رستگاری هدایت کردند. رئیس مرکز اسلامی استان گلستان با بیان اینکه، سخن در خصوص مقام معلم، استاد و مدرس زیاد است، افزود: افتخار داریم در دین مبین اسلام هستیم دینی که تمامی دستورات آن برپایه اندیشه، معرفت، قلم، خواندن و علم آموزی است. حجت الاسلام دیلم گفت: دعای خیر جایگاه ویژه ای در بین علمای ترکمن صحرا دارد. صحیفه سجادیه امام سجاد (ع) نمونه کاملی از دعای خیر است که به آن توجه کنیم. تدریس و درس دادن با نگاه دینی و قرآنی بسیار اثرگذار و تاثیرگذار است. امروز لازم است به سمت و سویی برویم که از نظر علمی به جایگاه دعای خیر عالم و معلم بپردازیم. رئیس مرکز اسلامی استان

رئیس مرکز بزرگ اسلامی گلستان گفت: بنا به مقتضیات زمان، نیازها و شباهت متفاوت شده و معلمان باید داشته های قدیم خود را همراه با آموخته ها و مهارت های روز به جامعه ارائه دهم. به گزارش روابط عمومی، حجت الاسلام نورعلی دیلم در نشست هم اندیشی با اساتید مدارس علوم دینی اهل سنت و تجلیل از مدرسین برتر استان گلستان اظهار کرد: اندیشمندان و معلمان در تحولات تاریخ نقش داشته اند و اگر تحولی در طول تاریخ اتفاق افتاد و چراغی روشن شد و مردم در مسیر هدایت و سعادت قرار گرفتند، به خاطر وجود اندیشمندان، معلمان و اساتیدی بوده است که انسانها را از مسیر تاریکی و ظلمت به سمت نور

معلمان داشته های قدیم  
را با آموخته های روز  
به جامعه ارائه دهند

# ضرورت توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی



و خاک، محصولات خود را کشت می کنند. وی با انتقاد از اینکه کشاورزی ما دانش بنیان نیست، افزود: باید هر اقدامی براساس علم و دانش باشد به همین خاطر مقام معظم رهبری توجه به حوزه دانش بنیان در کشاورزی را ضروری ارزیابی کردند. آیت الله نورمفیدی با بیان اینکه اقتصاد کشاورزی یک مسئله بسیار مهم است، اظهار کرد: باتوجه به اهمیت موضوع باید مجلس شورای اسلامی هم نگاه ویژه ای به این بخش داشته باشد. نورمفیدی از زمین و آب به عنوان منابع دارای اهمیت حوزه کشاورزی یاد کرد و گفت: این در حالی است که ما به زمین و آبی که در اختیار داریم آنگونه که باید توجه نمی کنیم. وی افزود: این گونه که به نظر می رسد، گلستان به رغم اینکه جزو استان های شمالی است، از آب فراوان برخوردار نیست با اینحال از منابع آب های زیرزمینی به صورت بی رویه استفاده می شود. نماینده ولی فقیه تصریح کرد: اینها خطراتی است که اگر به آنها توجه نکنیم در آینده با مشکلات جدی مواجه خواهیم بود.

در ادامه، نماینده ولی فقیه در گلستان از نبود الگوی کشت در استان انتقاد کرد و گفت: به دلیل مشکلات اقتصادی کشاورزان محصول به صرفه را کشت می کنند و باید صنعت کشاورزی دانش بنیان شود. آیت الله سید کاظم نورمفیدی اظهار کرد: نیاز است تا کشت هر محصول با توجه به اقلیم منطقه کشت شود. وی ادامه داد: امروز کشاورزان بر اساس صرفه اقتصادی و نه ظرفیت و استعداد اقلیم

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی گفت: محصولات گلستان قابلیت صادرات دارد اما نیاز است که در حوزه صنایع تبدیلی بیشتر به این موضوع پرداخته شود. محمد جواد عسگری در دیدار با نماینده ولی فقیه در گلستان، با بیان اینکه ۳۵ درصد اشتغال استان گلستان از بخش کشاورزی است، اظهار کرد: در این راستا دولت و مجلس با اراده حل مشکل این حوزه را دنبال می کند. رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی ضمن یادآوری این مطلب که ظرفیت ها و قابلیت های گلستان منحصر به فرد است، افزود: ما همه باید تلاش کنیم تا این ظرفیت های بالقوه به فعل تبدیل شود. وی تصریح کرد: محصولات گلستان قابلیت صادرات دارد اما نیاز است که در حوزه صنایع تبدیلی بیشتر به این موضوع پرداخته شود. وی ادامه داد: با توجه به ظرفیت های استان در بخش کشاورزی نیاز است تا به حوزه زراعت و باغبانی، دامپروری و شیلات هم توجه ویژه شود. عسگری با اعلام اینکه اراده خوبی در دولت و مجلس برای توسعه

کشاورزی کشور ایجاد شده، افزود: با اتفاقاتی که در منطقه رخ داده مانند جنگ روسیه و اوکراین لازم است که برای تامین نیاز های مردم به یک خودکفایی مطلق دست پیدا کنیم. وی با بیان این نکته که در حوزه دانه های روغنی استان گلستان ظرفیت بسیار خوبی دارد، افزود: موضوع احیای پنبه و سایر اراضی که در حوزه زهکشی مشکل دارند هم در دستور کار کمیسیون کشاورزی مجلس قرار دارد.



## آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به خرید و حمل ۱۰/۰۰۰ تن فیلر شسته (se مصالح بین ۴۵-۴۰) (سایز ۸-۰ میلی متر) جهت تولید آسفالت پروژه عمرانی سطح شهر و محل تخلیه آسفالت شهرداری گرگان جاده توسکستان را با مبلغ بر آورد اولیه ۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بدون تعدیل و مشخصات پیوست دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری می توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۴ لغایت ساعت ۱۴:۱۵ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۴ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی WWW.setadiran.ir مراجعه و ضمن دریافت اسناد مناقصه نسبت به تکمیل و ارائه اسناد در پاکت الف تضمین (تضمین شرکت در مناقصه در سامانه بارگذاری و اصل تضمین به آدرس گرگان میدان شهرداری شهرداری مرکز واحد دبیرخانه تحویل گردد.) در پاکت ب: (اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات شرکت، رزومه، صلاحیت پیمانکاری، اسناد و مدارک شرکت در مناقصه) لازم به ذکر است تمامی مدارک به صورت شفاف و اسکن در یک فایل با حجم ۱۰ مگابایت بارگذاری گردد. چنانچه مدارک بالاتر از ۱۰ مگابایت بود در فایل دیگر بارگذاری گردد)) (و برای اشخاص حقیقی فتوکپی کارت ملی و شناسنامه) و در پاکت ج (پیشنهاد قیمت - لازم به ذکر است در قسمت پیشنهاد قیمت درصد پلوس و مینوس ذکر شود) به شرح ذیل در مدت زمان تعیین شده اقدام نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

محمدرضا سبطی - شهردار گرگان م. الف ۱۱۱۲۴

برنامه ریزی شیلات برای  
صادرات یک میلیارد دلاری

رئیس سازمان شیلات کشور گفت: بر اساس برنامه تحولی در این سازمان، تا سال ۱۴۰۴ دسترسی به صادرات یک میلیارد دلاری در این بخش تحقق یافتنی است. به گزارش مهر، یک میلیون و ۲۶۸ هزار تن بود و بر اساس برنامه تحولی که تدوین شده قرار است محصولات شیلاتی تا سال ۱۴۰۴ به ۲ میلیون و ششصد هزار تن افزایش یابد. به گفته حسینی سال گذشته ۱۶۰ هزار تن محصولات شیلاتی به ارزش ۵۵۶ میلیون دلار صادر شده است و با برنامه ریزی بر اساس ظرفیت های موجود تا سال ۱۴۰۴ می توان صادرات این محصولات را به ۱ میلیارد دلار رساند.

## خبر

### همه قوا برای مهار گرانی ها تلاش کنند



نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان گفت: همه قوا با هم تلاش کنند و دست در دست هم دهند تا جلوی ایجاد گرانی‌ها را در جامعه بگیرند. آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته گرگان با قرائت حدیثی از امام صادق (ع)، بد اخلاقی، از بین رفتن امانت و سوءظن و افسردگی را از آثار گرانی بر جامعه عنوان و اظهار کرد: باید مراقب کنیم تا جامعه به گرانی و آثار آن دچار نشود. امام جمعه گرگان با بیان این که دولت برای برخی از گرانی‌ها که ناچاراً ایجاد شد، تدابیری را اتخاذ کرده، گفت: برخی به بهانه‌های مختلف بازار را به هم ریختند و اجناس خود را گران کردند. نماینده ولی فقیه در گلستان با بیان این که مجلس باید قوانینی را در خصوص این گرانی‌ها تدوین کند، افزود: مردم باید در جامعه راحت زندگی کنند و نیاز است همه مسوولان اعم از دولت، قوه قضاییه و مجلس دست در دست هم دهند تا جلوی ایجاد گرانی‌ها را در جامعه بگیرند. امام جمعه گرگان درباره حادتر شدن ریزش ساختمان متروپل در آبادان هم ضمن اظهار همدردی با مردم خوزستان اظهار کرد: مسوولان باید با متخلفین این مساله که در نظارت‌ها کوتاهی داشتند برخورد جدی و قاطعانه‌ای داشته باشند تا دیگر شاهد چنین حوادثی در کشور نباشیم. آیت‌الله نورمفیدی خواستار برخورد جدی با مقصران این مساله شد و گفت: فرقی نمی‌کند مقصر شهرداری، نظام مهندسی یا دستگاه‌های ناظر دیگر باشند.

«»

### معاون قلابی دادستان دستگیر شد

رییس کل دادگستری گلستان گفت: فردی که با عنوان تقلبی معاون دادستان گرگان با طرفین برخی پرونده‌ها دیدار و با آنان زد و بند می‌کرد، دستگیر شد. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی افزود: این فرد به نفع یکی از طرفین دعوی با طرف دیگر پرونده دیدار می‌کرد و با تهدید از او می‌خواست از پیگیری شکایت خود در دادسرا منصرف شوند. وی ادامه داد: افرادی که در دام این فرد گرفتار شده‌اند برای شکایت به حفاظت و اطلاعات دادگستری استان به نشانی گرگان، بلوار شهدی کلاتری، خیابان دانشجو، دادگستری کل مراجعه کنند. رییس کل دادگستری گلستان به مردم توصیه کرد: مراقب باشند در دام افرادی که مدعی زد و بند یا نفوذ در دادگستری هستند و یا این که خود را با عناوین قضایی معرفی می‌کنند نیندازند.

## اجتماع عظیم آق توقای

# بزرگترین رویداد فرهنگی این دیار

پرهیجان حاج سیروس کمی مجری مراسم رسمی تا صدها متر دورتر در اطراف محوطه آرامگاه مختومقلی شنیده می‌شود که پراترژری در حال اجرای مراسم است. آنجا جمعی از مردم در حال تماشای مراسم رسمی با حضور مقامات و مسولین هستند. صدای همهمه جمعیت، غوغا و شلوغی بازار محلی و فریادهای شادی تماشاگران مسابقات ورزشی با صدای های شات ها و گرد و غبار برخاسته از حرکت خودروها و موتورها در آن دشت وسیع محصور در میان تپه ماهورها در هم آمیخته و سمفونی منحصر به فردی راه انداخته و حس عجیبی به آدم می‌دهد. در آن دشت در آخرین پنج‌شنبه اردیبهشت‌ماه هرکسی به سلیقه خود در جایی مشغول است. به راستی این اجتماع عظیم مردمی با این حجم برنامه‌ها را می‌توان به عنوان بزرگترین رویداد فرهنگی منطقه دانست. اکنون به غروب آفتاب نزدیک تر می‌شویم و مراسم رسمی رو به پایان است. در انتهای مراسم رسمی اسامی تعدادی از مختومقلی پژوهان خوانده می‌شود تا به پاس تلاش هایشان در این مراسم تجلیل شوند. پس از پایان مراسم رسمی و با تارک شدن هوا، بعد از نماز عشاء به تدریج برنامه های فرهنگی و هنری چادرها شروع می‌شود. محققان فرهنگ و ادب ترکمن، هنرمندان موسیقی سنتی، شاعران، خوانندگان جوان و حتی چهره های سیاسی نیز در چادرها سخنرانی می‌کنند یا محافل ادبی پرسش و پاسخ ترتیب می‌دهند و برنامه اجرا می‌کنند. صدای موسیقی و سخنرانی چادرها در آن شب به یادماندنی در هم آمیخته و برنامه های فرهنگی و هنری چادرها چنان متنوع است که جمعیت حاضر در انتخاب چادر برای تماشای برنامه ها دچار زحمت می‌شود. برنامه های چادرها تا پاسی از شب ادامه دارد و هرکس به سلیقه خود از بخشی از برنامه ها لذت می‌برد. اکنون سحرگاه است و صدای اذان صبح در محوطه آرامگاه طنین انداز می‌شود. گنبد سفید رنگ آرامگاه مختومقلی فراغی رنگ طلایی به خود می‌گیرد.

### مدیرمسئول پایگاه خبری ترکمن سسی



شهری پرهیاهو درآمده است. چند صد متر دورتر در ضلع شمال غربی آرامگاه اعضای فعال و مسئولان انجمن های فرهنگی و ادبی مناطق ترکمن صحرا در تکاپوی برپایی چادرهای فرهنگی و ادبی شهر و دیار خود و نصب بنر و چیدمان صندلی میهمانان هستند.

ساعتی باقی است. دوصد متر دورتر در ضلع شمالی شرقی آرامگاه همهمه دیگری است. هزاران نفر در آن ازدحام جمعیت در حال تماشای رویدادی هستند. آنجا مسابقات پرهیجان کشتی سنتی گورش والیبال در حال برگزاری است. با انجام هر مسابقه گورش، فریاد

### از جای جای ترکمن صحرا مسافران مشتاق حرکت کرده اند تا در میعادگاه عاشقان، آق توقای گردهم آیند

چادر کمیش دپه، چادر بندر ترکمن، چادر گنبد کاووس، چادر آق قلا، چادر چای قوشان، چادر مختومقلی کلاله و ... تا ساعتی دیگر مملو از عاشقان فرهنگ و ادب خواهد بود و تا اذان صبح برنامه خواهد داشت. از ساعت ۵ عصر برنامه رسمی نکوداشت با حضور مقامات رسمی شروع شده است. صدای

های شادی تماشاگران به هوا بلند می‌شود. در اطراف آرامگاه تا دوردست ها مملو از ماشین های پارک شده و چادرهای مسافرائی است که قرار است شب را در این اطراف بیتوته بکنند و در برنامه های مراسم مردمی این روز بزرگ حاضر باشند. اکنون آق توقای آن روستای کوچک چند خانواری بسان

### نورمحمد دانشمند -



عاشقان مختومقلی فراغی بی صبرانه منتظر بودند تا پس از دو سال که تا شرایط کرونایی بهتر شد، امسال در مراسم نکوداشت مختومقلی شرکت کنند. از جای جای ترکمن صحرا مسافران مشتاق حرکت کرده اند تا در میعادگاه عاشقان، آق توقای گردهم آیند. وقتی از جاده اصلی مراوه تپه - دانشلی برون وارد مسیر فرعی آق توقای می‌شوید، گنبد سفید رنگ آرامگاه مختومقلی و مسجد سبز رنگ طرح آلاچیق جوار آن در این دشت وسیع به خوبی نمایان می‌شود. چند صدمتر قبل از پل فلزی درازی که بر روی رودخانه ترک است، صف طولانی ماشین های زائران شروع می‌شود. ماشین ها و موتورها به آهستگی از روی پل عبور می‌کنند تا به آرامگاه مختومقلی فراغی برسند.

بعد از پل فلزی، ماشین ها به شتاب سمت آرامگاه مختومقلی حرکت می‌کنند. همانگونه که از قدیم گفته اند آدم های بزرگ همانند کوهند، هرچه به آنها نزدیک تر شوید ابهت آنها را بیشتر درک می‌کنید. مختومقلی نیز اینگونه است هرچه به گنبد سفید رنگ چهار گوش با پایه های بلند نزدیک تر می‌شوید شکوه و عظمت آن بیشتر نمایان می‌شود.

در اطراف آرامگاه شور و همهمه ی وصف ناپذیر است. از تمام گلستان و ترکمن صحرا حتی از استان های دیگر نیز عاشقان آن حضرت در این روز خاص به اینجا آمده اند تا در جشن تولد ۲۸۹ سالگی شاعر و عارف نامی شرکت کنند. بسیاری از ساعت ها قبل به اینجا رسیده اند. نزدیک آرامگاه شلوغ تر از آن است که جای پارک پیدا شود. مسافران در مسافت دورتری از اطراف آرامگاه ماشین های خود را پارک می‌کنند. مسافران اکثرا به رسم ادب و رسم زیارت در بدو ورود در محوطه زیر گنبد سفید رنگ حاضر می‌شوند و بر مزار مختومقلی فراغی و پدرش دولت محمد آزادی که به فاصله چند متری کنار هم آرمیده اند فاتحه ای می‌خوانند.

اکنون ساعت حدود ۴ بعد از ظهر است. هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می‌شود. تا آغاز مراسم رسمی نکوداشت